

## دو نوشته از یک نویسنده

### آیا کشتن افراد ملکی؛ جنگ ایدیولوژیک است؟

نظامیان پاکستان همواره یا بصورت مستقیم و یا بصورت غیر مستقیم از تروریستان حمایت و پشتیبانی می نمایند و هرگاهی که صلحی در کار باشد آنها با اظهارات شان می خواهند این چنین روند ها را به مشکل بکشاند، چنانچه پدر معنوی طالبان (جنرال حمید گل) در اظهارات اخیر خویش گفته است که طالبان با شکست امریکا طرف واقعی مذاکرات هستند و این گروه هزاران تن از حامیان خود را قربانی کرده است و اینکه ملا محمد عمر هرگز در کوئته نبوده است، نبرد طالبان یک جنگ ایدیولوژیک است و این گروه از مواضع خود بر نمی گردد.

البته طی ده سال گذشته آن چنان فشار از جانب جامعه جهانی بالای تروریستان صورت نگرفته است و این بزرگترین معضله در امر مبارزه با تروریسم تلقی میگردد و اگر فشارهای لازم و واقعی بالای هراس افکنان انجام شود آن چنانی که حمید گل از آنها (شورشیان) توصیف می نماید به قولی عددی نیستند. و باید جامعه جهانی در رأس ایالات متحده امریکا با وارد نمودن فشارهای لازم سیاسی و نظامی بالای طالبان و حامیان اصلی آن ها از قوت شان بکاهند در غیر آن روز به روز آن گروه جانی تر و جسورتر خواهند شد.

چه کسی باور می کند که ملا محمد عمر حتی یک روز هم در کوئته نبوده است در حالیکه طالبان از جانب پاکستان به کمک یک تعداد از کشورهای عربی اساس گذاری و بوجود آمده و چطور میتوان تصور کرد که رهبر آنها در شهر کوئته و یا پاکستان حضور نداشته است و این گفته های حمید گل را میتوان حمایت مستقیم از طالبان تلقی نمود.

آیا یک انسان مسلمان و صلح دوست کشتن افراد ملکی و بیگناه را یک جنگ ایدیولوژیک میداند؟ ولی حمید گل در پیام خویش به قولی از اندرهای پدران خود استفاده نموده و آنها را تشویق مینماید تا از مواضع خود بر نگردند.

همیشه طالبان با انجام حملات تروریستی و وحشیانه بیشترین قربانی را از میان مردمان ملکی و بیگناه افغانستان گرفته اند که در آن زنان، کودکان و افراد محاسن سفید نیز شامل میباشند. حملات اخیر در ولایت قندهار که ۱۲ تن کشته و ۳۰ تن زخمی برجای گذاشت، حمله به عذاران عاشورا در کابل، مزار شریف، انفجار بم و انتحار در مساجد و محلات مزدحم شهرها که به یقین کامل میتوان گفت تمامی قربانیان آنرا افراد ملکی و بیگناهان تشکیل میدهد نامبرد.

در کل به این نتیجه میرسیم که طالبان یک گروه متحجر، واپس گرا، بنیادگرا، خشونت طلب و ضد مدنیت هستند و به قولی میتوان طالبان را ستون پنجم پاکستان و وسیله ای مؤثر و کم مصرف جهت رسیدن به اهداف سیاسی آن کشور نامبرد.

به هر صورت حلقات نظامی و استخباراتی پاکستان همیشه سدی در مقابل صلح و ثبات افغانستان، منطقه و حتی جهان می باشند، بناءً یگانه راه و روش بخاطر مهار نظامیان مستبد پاکستانی همانا محدود ساختن صلاحیت های بی حد و حصر آنها میباشد و اگر جامعه جهانی بتواند حکومت ملکی پاکستان را کمک نماید میتوان برای صلح و ثبات در منطقه امیدوار بود در غیر آن باز همان آش است و همان کاسه، که این امر از یک طرف به زیان مردم افغانستان است و از طرفی هم باعث مصارف بیجای جامعه جهانی در امر مبارزه با تروریسم می گردد.

### آیا پاکستان هیچ برنامه پنهانی ندارد؟!

حنا ربانی (کهر) وزیر امور خارجه پاکستان در سفر اخیر خویش به افغانستان اظهاراتی به دور از واقعیت ابراز نموده و گفته است که "گویا پاکستان هیچ برنامه پنهانی در افغانستان ندارد و یگانه هدف پاکستان مستقل بودن افغانستان و داشتن تأمین صلح و ثبات است و من (حنا ربانی) با پیام صلح به کابل آمده ام".

دپاڼو شمېره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکارۍ ته راوبولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

به قول وزیر خارجه پاکستان؛ این گونه اظهارات و دیدگاه ها نزد افکار عامه در افغانستان کهنه شده است و دیگر هیچ کس در افغانستان باوه سرایی های مقامات کشور حامی تروریسم را نظر به هزاران شهود و ثبوت باور نموده نمی تواند و هر بار آنها با ترفندهای جدید میخواهند حمایت مستقیم شان را از تروریسم پنهان نموده و خود را دوست و همسایه خوب برای کشور جنگ زده ما نزد جهانیان به نمایش بگذارند.

برنامه های مخفی حلقات نظامی و استخباراتی پاکستان نه تنها از جانب ما بلکه قبلاً توسط سایت افشاگر ویکی لیکس نیز از طریق مطبوعات جهانی ثابت گردیده است، بر علاوه آن کشته شدن اسامه بن لادن رهبر شبکه تروریستی القاعده که در شهرک نظامی ابیت آباد در نزدیکی اسلام آباد صورت گرفت، صحه بر ادعاهای ما می گذارند.

طبق یک گزارش دیگر که در این اواخر از طریق رسانه ها بازتاب یافته است، گفته میشود در پوسته های سرحدی نظامیان پاکستان؛ طالبان و سایر گروه های دهشت افکن بودوباش دارند، این کار از مدت ها بدین طرف در پوسته هایی که از طرف امریکا برای پاکستان ایجاد شده است، به مشاهده میرسد که نظامیان پاکستانی در آنجا طالبان و گروه های مرتبط با القاعده را نگهداری و در تشریک مساعی با آنها غرض فعالیت های تروریستی به افغانستان اعزام می نمایند.

آنچه تا حال گفته آمدیم سفر اخیر خانم حنا ربانی به افغانستان همانند سایر مقامات آن کشور وارونه جلوه دادن حقایق در امر مبارزه با تروریسم را نشان میدهد و طی سالهای گذشته آنها با سیاست های ددمنشانه خویش دشمنی شان را به مردم افغانستان به اثبات رسانیده اند.

همانطوریکه حضور جامعه جهانی در افغانستان مبارزه جدی با تروریسم و کشورهای حامی آنها میباشد، می باید در این امر نیز توجه نمایند و گروه ها، سازمان ها و حتی کشورهایایی که در تقویه دهشت افگنی طی ده سال گذشته تلاش نموده اند را دیگر وقت نداده و به منظور برچیدن این پدیده شوم (تروریسم) گام های مؤثری را بردارند.

پایان